



## Explaining the position of Alborz province in national governance with a future research approach

Faramarz Nik<sup>1</sup>, Ataollah Abdi<sup>2\*</sup>, Hossein Rabiee<sup>3</sup>, Hassan Sadrania<sup>4</sup>

<sup>1</sup> Ph.D student, Department of political Geography, Faculty of Geography, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of political Geography, Faculty of Geography, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of political Geography, Faculty of Geography, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

<sup>4</sup> Associate Professor, Department of Geography and Urban and Rural Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

\* Corresponding Author, [Ataabdi@khu.ac.ir](mailto:Ataabdi@khu.ac.ir)

Receive Date: 29 May 2024

Accept Date: 05 February 2025

### ABSTRACT

**Introduction:** State management means the functions expected from the agents of a political system, which includes the political, security, social, cultural, etc. dimensions of a society. In fact, what is important in this concept is paying attention to a society through policy making and decision making.

**Objectives:** The main purpose of this article is to identify the scenarios for the issue of statehood in Alborz province by using future research techniques, and the secondary goal is to identify the factors influencing the issue of statehood in Alborz province and to select key factors from among the identified factors.

**Methodology:** The current research is practical in terms of purpose. The methodology governing the research is descriptive-analytical. The nature of the data is quantitative and qualitative. The inputs (data and information) required for the research were collected by library and field methods (interviews and questionnaires) and analyzed and studied using Micmac and Scenario Wizard software.

**Geographical Context:** Since Alborz province is one of the significant regions from an economic, political, cultural, and social perspective, paying attention to the issue of statecraft in this province is important and is the geographical scope of this research.

**Results and Discussion:** Continuous protection and promotion of the national power level of the country, aiming and maintaining the spatial balance and ensuring geographical justice in Alborz province, political management of the national space and the appointment of political managers of divisional units, communication between the government and the people in Alborz province and the arbitration of broad justice and the determination of social justice and Citizens' rights are one of the key drivers (factors) affecting the issue of statehood in Alborz province. In line with the key drivers and possible states, the output of the Scenario Wizard software in the form of strong and probable scenarios showed that out of the 23 situations governing the scenario page, the situations that describe the scenarios facing the issue of statehood in Alborz province as critical are the most possible states. include and occupy 30.43 percent of the situations governing the scenario page.

**Conclusion:** The situation facing the issue of statehood in Alborz province became critical. The future forecast of developments related to the issue of statehood in Alborz province indicates that politicians should adjust their policies based on the crisis situation and pay more attention to this province according to its capacities.

**KEYWORDS:** Country management, Alborz province, future research approach, critical situation.



## تبیین جایگاه استان البرز در کشورداری ملی با رویکرد آینده پژوهی<sup>۱</sup>

فرامرز نیک<sup>۱</sup>، عطاالله عبدی<sup>۲\*</sup>، حسین ربیعی<sup>۳</sup>، حسن صدرانیا<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

\* نویسنده مسئول، Email: Ataabdi@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۹ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۷ بهمن ۱۴۰۳

### چکیده

**مقدمه:** کشورداری به معنای کارکردهای مورد انتظار از کارگزاران یک نظام سیاسی می‌باشد که در برگیرنده ابعاد سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و غیره یک جامعه است. در واقع آنچه در این مفهوم اهمیت دارد توجه به یک جامعه از رهگذر سیاستگذاری و تصمیم‌گیری است.

**هدف:** هدف اصلی مقاله حاضر شناسایی سناریوهای فراروی مساله کشورداری در استان البرز با بهره‌گیری از تکنیک‌های آینده پژوهی است و هدف فرعی، شناسایی عوامل تاثیرگذار بر مساله کشور داری در استان البرز و انتخاب عوامل کلیدی از بین عوامل شناسایی شده است.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. روش‌شناسی حاکم بر پژوهش توصیفی-تحلیلی است. ماهیت داده‌ها کمی و کیفی است. درون‌داده‌های (داده و اطلاعات) مورد نیاز پژوهش با روش کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه و پرسشنامه) گردآوری و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای Micmac و Scenario Wizard مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** از آنجایی که استان البرز یکی از مناطق قابل توجه از منظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد، توجه به مساله کشورداری در این استان حائز اهمیت است و به عنوان قلمرو جغرافیایی این پژوهش است.

**یافته‌ها و بحث:** حفاظت و ارتقای مستمر سطح قدرت ملی کشور، آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی در استان البرز، مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای تقسیماتی، ارتباط میان دولت و مردم در استان البرز و دآوری عدالت گستر و تعیین عدالت اجتماعی و حقوقی شهروندان از پیشران‌های (عوامل) کلیدی موثر بر مساله کشورداری در استان البرز است. در راستای پیشران‌های کلیدی و حالت‌های احتمالی ممکن، خروجی نرم افزار Scenario Wizard در قالب سناریوهای قوی و محتمل نشان داد که از ۲۳ وضعیت حاکم بر صفحه سناریو، وضعیت‌هایی که سناریوهای فراروی مساله کشورداری در استان البرز را بحرانی بیان می‌کنند، بیشترین وضعیت‌های احتمالی ممکن را در بر می‌گیرند و ۳۰/۴۳ درصد از وضعیت‌های حاکم بر صفحه سناریو را به خود اختصاص داده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** وضعیت فراروی مساله کشورداری در استان البرز بحرانی نمود یافت. پیش بینی آینده تحولات پیونددار با مساله کشورداری در استان البرز بیان‌گر آن است که سیاستمداران باید سیاست‌های خود را بر اساس وضعیت بحرانی تنظیم کنند و به این استان با توجه به ظرفیت‌هایش توجه بیشتری داشته باشند.

**کلیدواژه‌ها:** کشورداری، استان البرز، رویکرد آینده پژوهی، وضعیت بحرانی.

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته از رساله دکتری با راهنمایی دکتر عطاالله عبدی و حسین ربیعی است که در دانشگاه خوارزمی تهران دفاع شد.

## مقدمه

زیست و زیستگاه آدمی آوردگاه و کنشگاه جریان‌ها، نیروها و فرایندهای دگرگون‌ساز مادی و فرامادی بوده است که هر چه زمان می‌گذرد، شتاب و گستره بیشتری می‌یابد. در این میان کوشش برای آفرینش و پردازش زندگی شرافتمندانه و در خور شأن انسان برای ملت به منظور هماهنگی با فرایندهای یاد شده کانون دغدغه بسیاری از اندیشمندان و کنشگران شده است (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۴۰۲: ۱). این تلاش برای چگونگی اداره امور سیاسی از طریق نظام حکومتی و سازمان‌دهی سیاسی فضا واقعیت می‌یابد (ریاحی، افراخته و صالح پور، ۱۳۹۸: ۱۲۰). فضایی که جغرافیا به بررسی آن می‌پردازد، فضای زیست انسان‌ها است (مولائی هنجین و صالحی بابا میری، ۱۳۹۶: ۴). کشور برای اداره فضا و زیستگاه‌های انسانی، سازماندهی سیاسی فضا را بر اساس عوامل مختلف جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام می‌دهد و سعی می‌کند قلمرویش از هماهنگی و عملکرد مناسبی برخوردار شود و متضمن وحدت ساختاری و کارکردی، توسعه و امنیت باشد. به این ترتیب یکی از عوامل اساسی و موثر در مدیریت بهینه سرزمین، سازماندهی سیاسی فضا است (Ansell and Palma, 2004: 44). بنابراین سازماندهی سیاسی فضا کنشی انسانی از نوع سیاسی با هدف بهره‌برداری و استفاده پایدار در یک محیط جغرافیایی است (Soja, 2017: 7). مدیریت سیاسی فضا تنها متوجه عرصه بین‌المللی نبوده و به مثابه "هنر انجام امور دولت یا هنر حکومتداری، شامل هر دو بعد داخلی و خارجی سیاست‌گذاری عمومی کشور است (Kaplan, 1952: 548). بر این اساس فرآیند کشورداری هم در سطوح کلیت جامعه و هم در مقیاس فروملی صادق است. به عبارتی فضای درون کشور یکسان نیست و هر مکانی با مکان دیگر از لحاظ ماهیت توسعه و فرصت‌های اقتصادی، تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی دارد و نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورها برای اداره بهتر سرزمین خود آن را به واحد‌های کارکردی کوچکتری تقسیم و برخی از اختیارات خود را به آنها تفویض می‌کنند (پورموسوی، میرزاده کوهشاهی و رهنماقره خاننگلو، ۱۳۸۷: ۸۵). کشورداری فعل دستگاه حکومت هر کشوری، از جمله ایران، است. قانون اساسی هر کشور، از جمله ایران، سند پایه‌ای کشورداری است. فلسفه سیاسی حکومت هر کشوری در چنین سندی به صراحت یا بعضاً به صورت ضمنی بیان شده است. این فلسفه سیاسی مبنای شکل‌گیری فرآیند کشورداری را بنیان‌گذاری می‌کند (دانایی فرد، ۱۴۰۰: ۱۹۷).

کشورداری، هنر یا مهارت اداره امور کشور، فرمانداری و دیپلماسی، فن راهبری و اداره و مهارت مدیریت امور کشور است. به عبارتی کشورداری عبارتست از "علم، هنر و صنعت پیوند حکمرانی ملی، اداره امور عمومی و فعالیت عملیاتی کشور در همه ساحت‌ها، به منظور تحقق اهداف عالی‌ه مصرح در قانون اساسی یا سایر قوانین مادر که در دیگر کشورها نیز متداول است (دانایی فرد، ۱۴۰۰: ۱۹۷). کشورداری شایسته، بهبود میزان تولید و درآمد را در بر دارد و بنا به تعریف شامل دگرگون‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و ایستارها و دیدگاه‌های عمده مردم است (Kingsloury and Remeyi, 2004: 24-25).

مباحث مدرن کشورداری از همان ابتدا حول کلید واژه توسعه و در معنایی جامع با محوریت پیشرفت نضج گرفت (برزگر و حسن زاده، ۱۳۹۶: ۹). بعد از جنگ جهانی، مسئله توسعه به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل، به طور گسترده در محافل نظری مختلف و در قالب مباحث مربوط به نحوه کشورداری و برنامه‌ریزی در کشورهای مختلف مطرح بوده است (موحدی، ۱۳۸۳: ۷). در تعریفی گسترده پیشرفت و توسعه جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد و این یعنی تغییرات گسترده در مفهوم کشورداری سنتی که تا پیش از این، روند غالب به‌شمار می‌رفت (برزگر و حسن زاده، ۱۳۹۶: ۹). در چارچوب این تعریف کشورداری شایسته، بهبود میزان تولید و درآمد را در بر دارد و بنا به تعریف، شامل دگرگون‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی-اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است (رنائی، ۱۳۸۱: ۳۷۳).

یکی از عوامل موثر بر کشورداری، سازماندهی سیاسی فضا در قالب تقسیمات کشوری است، در واقع اعمال اراده سیاسی و چگونگی توزیع قدرت حکومت در سطح و فضای درون واحد کشور از طریق سازماندهی سیاسی فضا صورت می‌پذیرد. سازماندهی سیاسی فضا مرزبندی برای ارائه هر چه بیشتر امکانات، تسهیلات، خدمات عمومی، اداره امور

کشور و در نهایت تسهیل اعمال حاکمیت است (احمدی پور، میرشکاران و هوکارد، ۱۳۹۳، ۱۹۳). پژوهشگران این پژوهش، نگرش سیستمی به سازماندهی سیاسی فضا دارند و مبنای نظری پژوهش خود را بر پایه نگرش سیستمی بنیان گذاشته‌اند. مشکلات جوامع انسانی و سازمان‌ها روزبه‌روز پیچیده‌تر و حل آن‌ها نیازمند تفکر بهتر است. رویکرد سیستمی، مدعی ارائه روشی برای برخورد اصولی‌تر با پیچیدگی‌های دنیای کنونی است. سابقه این تفکر به بیش از ۵۰ سال پیش برمی‌گردد (Checkland, 1999:2).

نگرش سیستمی به موضوع سازماندهی، ضرورت اجتناب ناپذیری است که سازمان سیاسی فضا در قالب آن تحلیل می‌شود. این نگرش به ما کمک می‌کند که تمامی اجزا موثر در فرایند سازماندهی فضا را بررسی نماییم. الگوی سازماندهی سیاسی فضا در صورتی می‌تواند در ساختار فضایی عملکرد مناسبی داشته باشد که اصول، مبنای و مولفه‌های سازماندهی در آن رعایت شده باشد و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه ما در سازماندهی سرزمین، نگاهی سیستماتیک به مولفه‌های مورد استفاده داشته باشیم. بقای ملی و تسهیل در حاکمیت مستلزم استفاده و توجه ویژه به شاخص‌های متکثر موجود در مدیریت سرزمین می‌باشد تا ویژگی‌های اضافه شده به سرزمین بتواند جریان روابط در فضا را در ساختاری سیستماتیک حرکت دهد. توانایی ایجاد حرکت بدون فشار به سرزمین و جمعیت باعث شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط در فضا خواهد شد که سامان دهنده سرزمین و ارائه دهنده روشی است که از طریق آن تصمیمات سیاسی- اجرایی در فضا انعکاس داده می‌شود و همچنین در اثر نمود آن ساخت‌های سیاسی در یک سطح سلسله مراتبی شکل گرفته و مسیر جریان را تعیین می‌کنند. با نگاهی سیستماتیک به مقوله سازماندهی سیاسی فضا و استفاده از متغیرهای ذکر شده در مدیریت سرزمین می‌توان رویکردهای اجتماعی-سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در بستر جغرافیایی-سرزمینی شناسایی کرده و ساخت فضایی موجود را تحلیل نماییم. ورودی‌های سیستم در سازماندهی سیاسی فضا در صورتی که به صورت همه جانبه مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند در ساختار فضایی بسط، عملکرد مناسبی داشته باشد و با توجه به کارایی آن، تسهیل در حاکمیت ملی را سبب گردد (احمدی پور، میرشکاران و هوکارد، ۱۳۹۳: ۲۰۰-۱۹۹).

با وجود گستردگی در موضوع و مقیاس فضایی مطالعات این زیرساخت‌ها، همه آن‌ها با هدف برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار انجام شده است. مساله کشورداری در استان البرز پژوهش در خوری انجام نشده است. پژوهشگران ناگزیر به بررسی مطالعات پژوهشی که از نظر موضوع، محتوا به پژوهش حاضر نزدیک است، می‌پردازند.

دانایی فر (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «آنچه کیفیت کشورداری را تهدید می‌کند: بدتصمیمی، بی‌تصمیمی، تصمیم‌گیری تاخیری» بیان می‌کند؛ سرنوشت هر کشوری در پرتو تصمیم‌هایی رقم می‌خورد که حاکمان، خطمشی‌گذاران، مدیران و کارشناسان نظام حکمرانی و مدیریتی آن کشور اتخاذ می‌کنند. برخی از این تصمیم‌ها صبغه حکمرانی (راهبری) دارند و برخی‌ها حامل محتوای مدیریتی یا عملیاتی هستند. این دو تصمیم مهم به ترتیب به وسیله حاکمان (خطمشی‌گذاران و کشورداران) و مدیران دولتی اتخاذ می‌شوند. بر این اساس «کیفیت کشورداری» و «مدیریت ملک و مملکت» به کیفیت این تصمیم‌ها بستگی دارد.

رهنما، شاکرمی و عباسی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به شناسایی و تحلیل پیشران‌های موثر بر توسعه منطقه‌ای استان البرز با رویکرد برنامه‌ریزی سناریو مبنای پرداخته است و عوامل منابع آبی و خشکسالی، نابودی باغات استان به دلیل گسترش بی‌رویه ساخت و ساز، تولیدات صنعتی، افزایش آلودگی و فرسودگی کارخانه‌ها را تهدیدات جدی و اساسی برای توسعه استان البرز تا افق ۱۴۱۰ دانستند. اسماعیل زاده، صالح پور و اسماعیل زاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان البرز بیان می‌دارند که بین جمعیت و پراکنش خدمات در این استان رابطه منطقی وجود ندارد و شهرستان‌های کرج، ساوجبلاغ و نظرآباد در پایین‌ترین سطح از نظر پراکنش خدمات عمومی قرار دارند.

مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۵) در گزارشی تحت عنوان « مساله شناسی راهبردی توسعه استان البرز» مسائل استان البرز را در سه زیر حوزه ۱- حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ۲- حوزه محیط زیست ۳- حوزه اقتصادی، صنعتی و گردشگری تقسیم می کند و به بررسی آن ها می پردازد.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۸) در اجرای سند آمایش استان البرز تحت نام « سند آمایش سرزمینی استان البرز: سند راهبردی و اجرایی» اهداف بنادین اجرای این سند را بهبود نظام بهره‌وری از محیط، پالایش زیست محیطی فعالیت ها، تقویت نظام توسعه در راستای پایداری، ارتقای جایگاه اجتماعی و فرهنگی استان در کشور، ارتقای ظرفیت اجتماعی و فرهنگی در سطح منطقه، تحول ساختارصنعتی- خدماتی استان، تقویت تنوع اقتصادی متناسب با ظرفیت استان، تقویت نظام مدیریت غیر متمرکز و یکپارچه، نهادینه سازی نظام مدیریتی مبتنی بر ظرفیت های درونی استان، توسعه نظام ارتباط پذیری در استان در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بهبود ارتقای سازمان فضایی و شبکه سکونتی فعالیت های استان و تقویت نظام تعادل فضایی در استان بیان می دارد.

مطالعات ریاحی، افراخته و صالح پور، ۱۳۹۸؛ راحمی، مهکویی، خادم الحسینی و شمس الدینی، ۱۳۹۷؛ غلامرضایی و حسن آبادی، ۱۳۹۶؛ پیله ور، ۱۳۹۵؛ اسماعیل زاده، صالح پور، اسماعیل زاده، ۱۳۹۵؛ اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰؛ احمدی پور، میرشکاران، هوکارد برنارد، ۱۳۹۳ بیانگر نارسایی مدیریت سیاسی فضا در استان های کشور ایران است. بخشی از ناکارآمدی مدیریت سیاسی فضا در استان ها از عدم تناسب حکمرانی استانی با نیازها و مسائل محلی ناشی می شود که خود این امر از میزان کیفیت مدیران، میزان انطباق تخصص مدیران با حوزه کاری آن ها، تداخل وظایف نهادها با یکدیگر، عدم تفویض اختیارات به نهادها در سطح استان و ... تاثیر می پذیرد، به گونه ای که به رغم برخورداری برخی از استان ها از موقعیت و قابلیت های توسعه، در بخش های مختلف دارای مسائل و مشکلاتی است که توسعه آن استان را خدشه دار و پیامدهای امنیتی برای استان و به دنبال آن برای امنیت ملی به همراه خواهد داشت.

استان البرز به عنوان سی و یکمین استان ایران که در جلسه هیئت دولت در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۸۸ لایحه تأسیس آن تصویب و به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد، با تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۷ به طور رسمی شکل گرفت. این استان با وسعت ۵۲۸۴ کیلومتر مربع در غرب تهران و جنوب دامنه رشته کوه البرز واقع شده است و دارای ۶ شهرستان کرج، ساوجبلاغ، نظرآباد، طالقان، اشتهارد، فردیس و با حدود سه میلیون نفر جمعیت است. استان البرز با وجود پتانسیل هایی همچون موقعیت مکانی ویژه و استراتژیک، توان اکولوژیک، وجود کانسارهای عمده معدنی، تنوع اقلیمی، ساختار توپوگرافیک مناسب، توانمندی بالا در جذب گردشگر و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی، انتظار می رفت تبدیل به استانی توسعه یافته، برخوردار از رفاه، فرصت های برابر، توزیع مناسب درآمد، بهره مند از محیط زیست مناسب، ارائه دهنده نقش چندگانه (صنعتی، خدماتی و کشاورزی) در نواحی مختلف، تولید صنعت در مقیاس ملی، نقش ملی گردشگری و... به دور از فقر و نابرابری و محیط زیست مناسب باشد.

با وجود این انتظار و با وجود طرح های متنوعی که برای بهبود وضعیت استان البرز انجام شده است، این استان با مسائل و مشکلات عدیده ای روبرو است. بر بنیاد مطالب ذکر شده می توان نتیجه گرفت که حکمرانی و اداره کشور در سطوح ملی و محلی با تناقض و تعارض همراه است که در نهایت باعث سردرگمی مسئولان محلی و عدم اجرای صحیح برنامه ها و طرح های مختلف در سطح کشور می شود. عدم شناخت مدیران محلی از مسائل استان خود و نگاه مقطعی آنها به مسائل و مشکلات استان به این عدم موفقیت دامن زده است که لزوم پرداختن به مساله کشورداری را در این استان مهم می نماید. از این رو، پژوهش پیش رو با این پرسش که محتمل ترین سناریوی فراروی مساله کشورداری در استان البرز کدام است؟ با بهره گیری از رویکرد آینده پژوهی، به شناسایی مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز و در نهایت به واکاوی محتمل ترین سناریوی فراروی مساله کشورداری در استان البرز پرداخته است و برای حکمرانی مطلوب در استان البرز استراتژی هایی را بیان داشته است.

## روش شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. ماهیت داده‌ها کیفی و کمی و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، میدانی (پرسشنامه تأثیرات متقابل) و پیمایشی (در چند مرحله) است. برای انجام تحقیق حاضر ابتدا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز شناسایی شدند. به منظور دستیابی به عوامل موثر بر کشورداری در استان البرز از چهارمرحله، به شرح زیر استفاده شده است:

مرحله اول؛ تنظیم سوال پژوهش: در این مرحله پرسشی مبنی بر اینکه عوامل موثر بر کشورداری در استان البرز چیست؟ تنظیم شد. مرحله دوم؛ برگزیدن متون مورد نظر که باید تحلیل شوند: در این مرحله متون مرتبط با سوال طرح شده، با استفاده از جستجوی مفاهیم کلیدی در پایگاه‌های علمی داده، انتخاب و متونی با پشتوانه نظری قوی برای مطالعه و تحلیل انتخاب شدند. مرحله سوم؛ استخراج عوامل تأثیرگذار: در این مرحله ۶۸ عامل تأثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز از متون منتخب استخراج شد. مرحله چهارم؛ پایش عوامل شناسایی شده: در این مرحله عوامل شناسایی شده توسط تیم پژوهش (اساتید راهنما و مشاور) بررسی و تحلیل شدند که منجر به حذف و یا ادغام برخی عوامل شناسایی شده مرحله قبل بود و در نهایت ۴۰ عامل نهایی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز معرفی شد (جدول ۳).

عوامل شناسایی شده در قالب پرسشنامه مقاطع طراحی و در اختیار خبرگان پژوهش قرار گرفت. خبرگان به تأثیر متغیرها بر یکدیگر نمره ۰ تا ۳ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده به نرم‌افزار Micmac فراخوانده شدند و خروجی نرم‌افزار Micmac عوامل کلیدی تأثیر گذار بر مساله کشورداری در استان البرز را معرفی نمود.

در مرحله بعد وضعیت‌های احتمالی مختلفی برای هر کدام از عوامل کلیدی در نظر گرفته شد و مجموعاً ۲۵ حالت برای ۵ عامل کلیدی در نظر گرفته شد، بر اساس عوامل کلیدی و حالت‌های مختلف آن پرسشنامه محقق‌ساخته دیگری به صورت مقاطع طراحی شد و در اختیار نمونه تحقیق قرار گرفت. وزن‌دهی به پرسشنامه به صورت مقایسه‌ای زوجی و میزان ارتباط بین متغیرها با اعداد بین ۳- تا ۳ بوده است. روایی این پرسشنامه توسط جامعه آماری مورد تأیید واقع شد. پرسشنامه‌های تکمیل‌شده در نرم‌افزار Scenario Wizard از طریق دستور Ensemble وارد شدند؛ و در نهایت سناریوهای سازگار و ضعیف شناسایی و تحلیل شدند.

جامعه آماری این پژوهش متخصصان رشته جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و ژئوپلیتیک بوده‌اند که در زمینه کشورداری در استان البرز به تحقیق و مطالعه پرداخته بودند که ۲۶ نفر از بین آن‌ها با روش نمونه‌گیری گلوله برفی، تا اشباع نظری داده‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند.

جدول ۱. مشخصات نمونه پژوهش

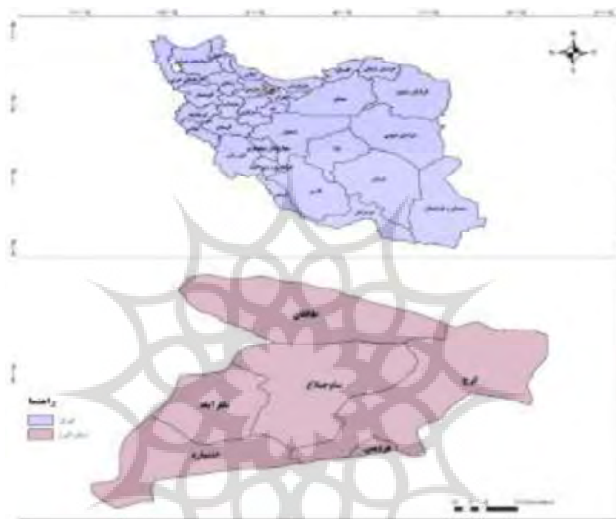
تعداد	خبرگان اجرایی سازمان	خبرگان دانشگاهی	
		تعداد	حوزه تخصصی
۱	استانداری استان البرز	۸	ژئوپلیتیک
۱	کارکنان زندان کچویی	۷	علوم سیاسی
۲	شهرداری استان البرز	۲	روابط بین الملل
۱	کارکنان دیوان محاسبات		
۱	فرمانداری شهرستان کرج	۱	حقوق سیاسی
۱	شورای شهر شهرستان کرج		

## قلمرو و جغرافیایی پژوهش

استان البرز (شکل ۱) با مساحت ۵۸۳۳ کیلومتر مربع در غرب تهران (پایتخت ایران) بر روی تپه‌های رشته کوه البرز واقع شده است و بین عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳۷ دقیقه و ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۲۴ دقیقه و ۵۰ درجه ۹۰ دقیقه شرقی واقع شده است.

جدول ۲. شناسه‌های جمعیتی استان البرز

استان	جمعیت (نفر)	مرد (نفر)	زن (تعداد)	شهرنشینی (نفر)	روستانشینی (نفر)	شهرستان	بخش	شهر	دهستان
البرز	۲۷۱۲۴۰۰	۱۳۷۶۳۲۵	۱۳۳۶۰۶۵	۲۵۱۲۷۳۷	۱۹۹۵۵۹	۷	۱۴	۱۸	۳۱



شکل ۱. نقشه محدوده مورد مطالعه

## یافته‌ها و بحث

### شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز

در مرحله نخست پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده، مستندات و پیشینه پژوهش در قالب کتاب، مقاله، اسناد و مدارک، عوامل موثر بر مساله کشورداری در استان البرز توسط پژوهشگران شناسایی شد. سپس متغیرهای شناسایی شده به بوته آزمایش گذاشته شد. بدین صورت که تیم پژوهش به بررسی عوامل شناسایی شده پرداخت. در این مرحله شماری از متغیرها حذف، برخی اضافه و تعدادی در هم ادغام شدند. سرانجام تعداد ۴۰ عامل تأثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز شناسایی و تنظیم شد.

جدول ۳. عوامل تأثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز

کد	عوامل تأثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز
Var1	داوری عدالت گستری و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در سطح ملی و استان البرز
Var2	عدم همراهی مسئولین با مردم در استان البرز
Var3	عدم بودجه‌ریزی مناسب
Var4	نیروی انسانی غیر متخصص
Var5	مردم‌گریزی

کد	عوامل تاثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز
Var6	هماهنگی بین وزارتخانه‌های و درون وزارتخانه‌های
Var7	عدم همخوانی قوانین و مقررات با روح اسناد بالادستی
Var8	عدم شفافیت و روشن کردن حدود وظایف و اختیارات
Var9	میزان آگاهی از منافع و امنیت ملی کشور
Var10	میزان توجه به هنجارها و ارزش‌ها
Var11	حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی کشور
Var12	آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی
Var13	کمبود اطلاعات برای تصمیمات مدیریتی مجموعه کلان اقتصادی
Var14	قابل کنترل بودن اقتصاد
Var15	تعیین حقایق تخلف قانون
Var16	خودکارسازی فرآیند ارائه خدمات دولتی
Var17	نقش احزاب در تصمیمات دولتی
Var18	اطلاع رسانی در مورد مشکلات تعیین شده و امکانات اقتصادی
Var19	تغییر بازیگران کلیدی در فرآیند اتخاذ تصمیم‌گیری
Var20	فقدان فهم عمومی نسبت به اهمیت تصمیم‌ها
Var21	اعتماد اجتماعی
Var22	مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای تقسیماتی
Var23	تاکید بر قبول مسولیت و شناخت دقیق آن
Var24	پایش مداوم فعالیت کارگزاران
Var25	تاکید بر تشخیص و شون سیاسی در بعد فردی و سازمانی
Var26	رعایت سلسله مراتب در اعطای تشویق‌ها
Var27	جلوگیری از رقابت بین خواص
Var28	بستن راه‌های موازی کاری
Var29	تاکید بر اهمیت کارگزاران با تجربه
Var30	میزان مردم‌داری
Var31	اعمال کنترل بر فعالیت‌های عملیاتی در کلیت نظام اداری
Var32	میزان ارتباط بین دولت و مردم
Var33	فرماندهی یا جهت‌دهی دستگاه اداری در راستای چشم‌انداز ملی و اداری
Var34	ساماندهی و چیدمان اداری
Var35	برنامه‌ریزی راهبردی برای اجرای خط‌مشی‌های عمومی
Var36	تضمین‌کنندگی تبعیت‌پذیری ملی از منوبات حکمرانی
Var37	عدم مشارکت در کشورداری
Var38	قصور در تعیین عالمانه مسئله عمومی
Var39	ناتوانی تصمیم‌گیران در تحقق توافق بر سر سازوکارهای اصلی
Var40	مواضع متفاوت و متعارض در تصمیم‌ها

### شناسایی متغیرهای کلیدی (پیشران‌های) مؤثر بر مساله کشورداری در استان البرز

در این پژوهش پس از شناسایی متغیرهای تاثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز، پرسشنامه پژوهشگر ساخته‌ای در قالب ماتریس اثرات متقاطع تنظیم و در اختیار خبرگان پژوهش قرار گرفت تا با بهره‌گیری از نظر خبرگان دانشگاهی و مدیران اجرایی به بررسی میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها پرداخته شود. نتایج پرسشنامه وارد نرم افزار Micmac شد. خروجی این نرم‌افزار پنج متغیر کلیدی مؤثر بر مساله کشورداری در استان البرز را نشان داد.

## وضعیت ماتریس تحلیل اثرات متقابل (MD1)

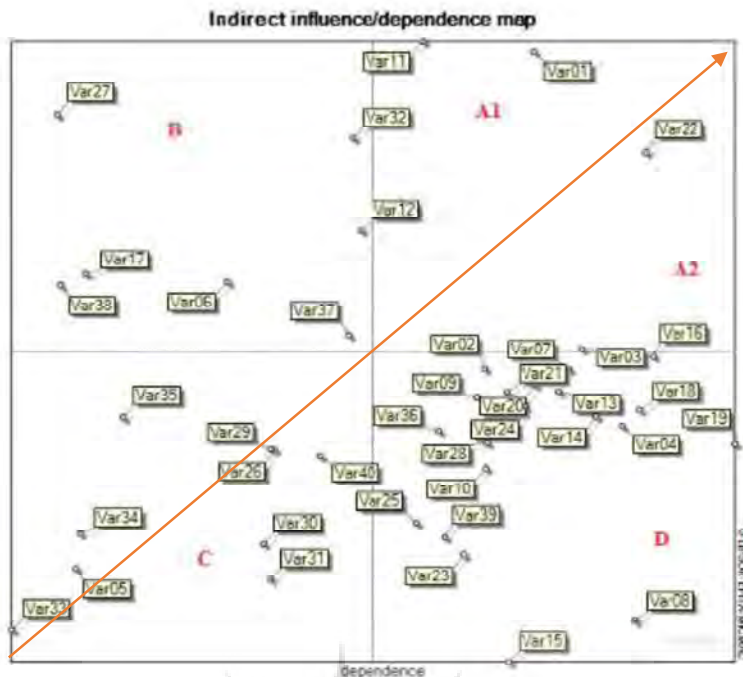
جدول ۴. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل

شاخص	ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	صفر	یک	دو	سه	P	جمع	درصد پوشدگی
ارزش	۴۰*۴۰	۲	۲۱۵	۵۳۲	۵۲۱	۳۱۴	۱۰	۱۳۶۵	۹۲/۹

بر پایه جدول ۴. ابعاد ماتریس ۴۰\*۴۰ و درجه پوشدگی ماتریس ۹۲/۹ درصد است که نشان می‌دهد، عوامل انتخاب شده تاثیر به نسبت زیاد و پراکنده‌ای بر هم داشته‌اند و سیستم از وضعیت ناپایداری برخوردار است. از مجموع ۱۳۶۵ رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس ۲۱۵ رابطه نشان می‌دهند که متغیرها بر هم تاثیر نداشته یا از هم تاثیر نپذیرفته‌اند. ۵۳۲ رابطه تاثیر کم متغیرها بر همدیگر را نشان می‌دهند. ۵۲۱ رابطه نمایانگر تاثیرگذاری به نسبت قوی متغیرها بر یکدیگر است. ۳۱۴ رابطه نشان‌دهنده تاثیرگذاری و تاثیر پذیری بسیار زیاد متغیرهای بر هم است و سرانجام ۱۰ رابطه نشان‌دهنده رابطه پتانسیلی و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر است.

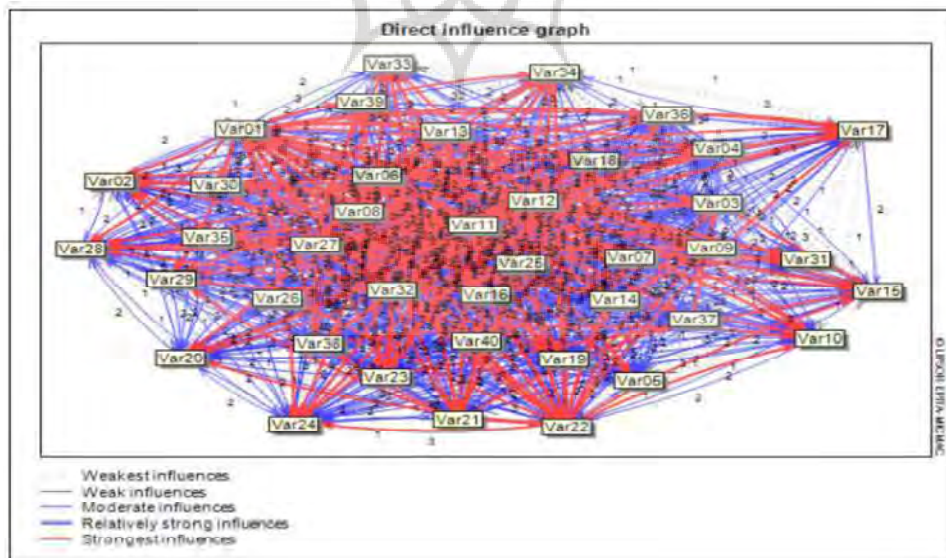
## تحلیل سیستم و تعیین تاثیرگذاری - تاثیر پذیری متقابل متغیرها بر یکدیگر

مطابق شکل ۲ که اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها بر مساله کشورداری در استان البرز را نشان می‌دهد، متغیرهای واقع در قسمت B محور مختصات، متغیرهای تاثیرگذار هستند. این متغیرها تاثیرگذاری بسیار بالایی دارند اما به آن علت که قابل کنترل نیستند، متغیرهای کلیدی به شمار نمی‌آیند. متغیرهای واقع در قسمت D محور مختصات متغیرهای نتیجه هستند که از تاثیرپذیری بسیار بالا و تاثیر گذاری بسیار پایینی برخوردارند، این متغیرها اهمیت کمتر و همچنین عدم قطعیت بیشتری دارند. متغیرهای مستقل در بخش C محور مختصات قرار دارند که تاثیرگذاری و تاثیرپذیری پایینی دارند. اما متغیرهای واقع در قسمت A محور مختصات راهبردی و کلیدی هستند چرا که هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم در سیستم تاثیرگذاری قابل قبولی دارند. و به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم می‌شوند. متغیرهای ریسک (A1) بالای خط قطری قسمت A محور مختصات قرار می‌گیرند و قابلیت بیشتری برای تبدیل شدن به متغیرهای کلیدی سیستم را دارند. متغیرهای هدف (A2) زیر ناحیه قطری قسمت A صفحه مختصات قرار می‌گیرند، این متغیرها در واقع نتایج تکاملی سیستم و گویای اهداف ممکن در یک سیستم هستند.



شکل ۲. نمودار پراکندگی متغیرهای تحقیق و جایگاه آن در محور تاثیرگذاری- تاثیرپذیری

بر پایه مطالب پیش گفته و شکل ۲، دآوری عدالت گستری و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی (var1)، حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی کشور (var11)، آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی (var12)، مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحد های تقسیماتی (var22)، ارتباط میان دولت و مردم (var32) به عنوان عوامل کلیدی تاثیرگذار بر کشورداری استان البرز شناسایی شدند.



شکل ۳. روابط بین متغیرها با درجه پرشدگی ۱۰۰ درصد

شکل ۳ نمایشگر روابط بین عوامل و چگونگی اثرگذاری آنها بر یکدیگر است. این تصویر در قالب خطوط قرمز و آبی نشان داده می‌شود و اندازه‌گیری تاثیرات بسیار ضعیف، متوسط (میان)، نسبتاً قوی و تاثیرات بسیار قوی را نمایش می‌دهد. به عبارتی خطوط قرمز نشان دهنده اثرگذاری شدید (بسیار قوی) متغیرها بر همدیگر و خطوط آبی، با تفاوت و ضخامت، روابط متوسط تا ضعیف عوامل را نشان می‌دهد.

### شرح حالت های احتمالی متغیر های کلیدی

برای تدوین سناریو های محتمل ابتدا شرح حالت های احتمالی که ممکن است برای هر عامل کلیدی رخ دهد، مطابق جدول ۵ بیان می‌شود.

جدول ۵. شرح حالت های احتمالی ممکن برای عوامل کلیدی تاثیرگذار بر مساله کشورداری در استان البرز

کد	عوامل کلیدی	حالت	شرح حالت های احتمالی	وضعیت
A	حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی کشور	A1	افزایش قابل توجه حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی کشور	مطلوب
		A2	افزایش نسبی حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی کشور	ایستا
		A3	تداوم وضعیت موجود	ایستا
		A4	کاهش نسبی حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی کشور	نیمه بحرانی
		A5	کاهش قابل توجه حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی کشور	بحرانی
B	آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی	B1	افزایش قابل توجه آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی	مطلوب
		B2	افزایش نسبی آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی	نیمه مطلوب
		B3	تداوم وضعیت موجود	ایستا
		B4	کاهش نسبی آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی	نیمه بحرانی
		B5	کاهش قابل توجه آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی	بحرانی
C	مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای تقسیماتی	C1	افزایش قابل توجه مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای تقسیماتی	مطلوب
		C2	افزایش نسبی مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای تقسیماتی	نیمه مطلوب
		C3	تداوم وضعیت موجود	ایستا
		C4	کاهش نسبی مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای تقسیماتی	نیمه بحرانی
		C5	کاهش قابل توجه مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای تقسیماتی	بحرانی
D	ارتباط میان دولت و مردم	D1	افزایش قابل توجه ارتباط میان دولت و مردم	مطلوب
		D2	افزایش نسبی ارتباط میان دولت و مردم	نیمه مطلوب
		D3	تداوم وضعیت موجود	ایستا
		D4	کاهش نسبی ارتباط میان دولت و مردم	نیمه بحرانی
		D5	کاهش قابل توجه ارتباط میان دولت و مردم	بحرانی
E	داوری عدالت گستری و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی	E1	افزایش قابل توجه داوری عدالت گستری و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی	مطلوب
		E2	افزایش نسبی داوری عدالت گستری و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی	نیمه مطلوب
		E3	تداوم وضعیت موجود	ایستا
		E4	کاهش نسبی داوری عدالت گستری و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی	نیمه بحرانی
		E5	کاهش قابل توجه داوری عدالت گستری و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی	بحرانی

## تهیه سبد سناریو

پس از تهیه فهرست وضعیت‌های احتمالی، به طراحی پرسش‌نامه در قالب ماتریس متقاطع کلیدی پرداخته شد و در اختیار جامع آماری پژوهش قرار گرفت. نتایج پرسش‌نامه داده‌های لازم را برای تدوین سناریو توسط نرم‌افزار Scenario wizard فراهم کرد. با نگرش به این مسئله که در اینجا هدف تهیه سناریوهای ممکن از ۲۵ وضعیت احتمالی مربوط به پنج عامل کلیدی است، انتظار می‌رود بیش از ۳ هزار سناریوی تلفیقی محتمل از میان این وضعیت‌های احتمالی استخراج شود که در برگزیده همه حالات پیش‌روی مساله کشورداری در استان البرز باشد. نتایج به دست آمده از نرم‌افزار Scenario wizard نشان داد که هشت سناریو با سازگاری قوی و محتمل پیش‌روی مساله کشورداری در استان البرز وجود دارد. شکل ۴ تابلوی سناریوهای با سازگاری قوی را نشان می‌دهد. در این تابلو رنگ سبز پررنگ نشان دهنده وضعیت کاملاً مطلوب، سبز کم‌رنگ نشان دهنده وضعیت نیمه مطلوب، رنگ آبی بیانگر وضعیت ایستا، رنگ صورتی وضعیت در آستانه بحران، رنگ قرمز نشان دهنده وضعیت بحرانی است. تابلوی سناریوهای قوی از ۳۲ وضعیت احتمالی مربوط به هشت سناریو با سازگاری قوی و محتمل تشکیل شده است.

Scenario No. 1	Scenario No. 2	Scenario No. 3	Scenario No. 4	Scenario No. 5	Scenario No. 6	Scenario No. 7	Scenario No. 8
وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب
وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب
وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب
وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب
وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب
وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب
وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب
وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب	وضعیت کاملاً مطلوب

شکل ۴. تخته سناریوهای با سازگاری قوی

شکل ۴. تابلوی سناریوهای با سازگاری قوی و به‌نوعی سناریوهای احتمالی را به همراه وضعیت‌های محتمل از نظر بحرانی بودن یا مطلوب بودن نشان می‌دهد. همان‌گونه که در شکل ۴ دیده می‌شود تعداد وضعیت بحرانی بر دیگر وضعیت‌های ممکن برتری دارد. از میان وضعیت‌های احتمالی ۴۳/۴۰ درصد وضعیت بحرانی، ۱/۷۳ درصد وضعیت نیمه بحرانی، ۱/۷۳ و وضعیت ایستا، ۱۷/۳۹ درصد وضعیت مطلوب و ۸/۶۹ درصد وضعیت نیمه مطلوب داشته‌اند. الگو سناریوهای قوی با در نظر داشت ویژگی و شرایط حاکم بر آن به سه گروه تقسیم می‌شوند. در اینجا به بررسی مختصر هر از سناریو ها پرداخته می‌شود.

گروه نخست؛ سناریو بحرانی: وضعیت فراروی کشورداری در استان البرز بحرانی است.

این سناریو محتمل‌ترین سناریو فراروی کشورداری در استان البرز شناخته شد و سناریوهای ۱ تا ۴ را شامل می‌شود. از شرایط حاکم بر این گروه از سناریو ها عبارتند از: کاهش قابل توجه حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی، کاهش قابل توجه آمایش و حفظ تعادل فضایی در تامین عدالت جغرافیایی، کاهش قابل توجه ارتباط مردم و دولت و کاهش قابل توجه داوری عدالت گستر و عدم تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی است.

این سناریو نشان می‌دهد در صورت عدم توجه به عوامل ذکر شده؛ بحران اجتماعی و سیاسی می‌تواند به سرعت شکل بگیرد و تبعات منفی برای استان و کشور داشته باشد که برگرفته از عدم توجه به رویکردهای انتقادی است که نقش

مردم و گروه های ضعیف تر در بدنه قدرت نادیده گرفته می شود و این باعث بی اعتمادی در ارکان مختلف جامعه می شود. از طرفی عواملی مانند عدم پاسخگویی مسئولان رده پایین به علت القای قوانین از سطح کشوری و ملی، تبعیض در خدمات و عدم آگاهی رسانی و مشارکت مردم در فرایند تصمیم گیری بر عمق ماجرا می افزاید و روزه روز باعث بحرانی شدن وضعیت موجود می شود. در نتیجه کشورداری در مقیاس فروملی به درستی انجام نمی شود. و این باعث نایده گرفتن پتانسیل های قابل توجه استان البرز شده و برنامه ریزی های توسعه ای و آمایشی نتیجه دلخواه را نخواهد داشت.

گروه دوم؛ سناریوهای در آستانه بحران؛ وضعیت فراروی کشورداری در استان البرز در آستانه بحران است. این گروه سناریو شامل وضعیت های نیمه بحرانی و ایستا است که سناریوهای ۵ و ۶ را شامل می شود. از وضعیت های حاکم بر این گروه از سناریو عبارتند از کاهش نسبی حفاظت و ارتقا مستمر سطح قدرت ملی، کاهش نسبی آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی، کاهش نسبی مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای سیاسی و تداوم وضعیت موجود در تمامی عوامل کلیدی است.

این سناریو نشان می دهد که نیاز به توجه جدی به مسائل و مشکلات استان البرز است. مبارزه با فساد اداری، تدوین قوانین و رفع مشکلات استان البرز با در نظر داشت ظرفیت ها و پتانسیل این استان مهمترین راه حل در این سناریو است. گروه سوم؛ وضعیت فراروی کشورداری در استان البرز مطلوب است.

این گروه سناریو وضعیت های مطلوب و نیمه مطلوب را در بر می گیرد و احتمال بسیار کمی برای وقوع این گروه از سناریو وجود دارد و سناریوی ۷ و ۸ را شامل می شود. افزایش داوری عدالت گستر و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی، افزایش ارتباط مردم و دولت، افزایش قابل توجه آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت جغرافیایی و افزایش آمایش و حفظ تعادل فضایی و تامین عدالت اجتماعی از شرایط حاکم بر این گروه از سناریو است. ترکیب متناسب این عوامل با یکدیگر در استان البرز باعث سازماندهی اجتماعی، تامین حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی می شود که به گسترش همبستگی اجتماعی و کاهش تنش کمک می کند.

از طرفی با ایجاد بسترهای حقوقی و اجتماعی برای دسترسی متوازن از امکانات، بهبود عملکرد و افزایش شفافیت در فرایند تصمیمات حکومتی می تواند به تقویت، مشروعیت و کارآمدی دولت کمک کند که نتیجه آن توسعه پایدار ابتدا در سطح استان و در نهایت در سطح کشور است.

هیچ چیزی نیست که سیاسی نباشد همه چیز در زندگی سیاست است. همه چیز انسانی سیاسی است. این شامل کشورداری و اداره امور کشور هم می شود. پژوهشگران این پژوهش یک کشور را به مثابه یک سیستم می دانند که از مجموع زیرسیستم ها تشکیل شده است. و این زیرسیستم ها (استان ها) می توانند در ارتباط با یکدیگر یک کل منسجم (کشور) را تشکیل دهند. از آنجا که کشورداری در مقیاس ملی و فروملی (تاکید این پژوهش بر استان است) معنی پیدا می کند. کشورداری در بهترین حالت خود یک کلیت منسجم (کشورداری در سطح ملی) در نظر گرفته می شود که با توجه به پتانسیل و ظرفیت های هر زیرسیستم (استان) انجام می شود. هر زیرسیستم از بخش های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... تشکیل شده است. بخش های هر زیرسیستم علاوه بر اینکه در درون آن زیرسیستم می توانند بر روی هم تأثیر بگذارند و از هم تأثیر بپذیرند این بخش ها با هم نیز ارتباط متقابل و سیستمی دارند.

استان البرز به عنوان زیرسیستم از کشور ایران (سیستم کل) در بخش صنایع دارای سه هزار و ۵۰۰ واحد تولیدی و صنعتی بزرگ، متوسط و کوچک است که افزون بر تامین بخشی از نیاز های کشور و استان، بخش دیگری از محصولات این صنایع، صادراتی است و حدود ۱۳۰ هزار نفر در مراکز تولیدی و صنعتی این استان مشغول به کار هستند. ۶۸ هزار هکتار زمین کشاورزی و باغی حاصلخیز از مزیت های اقتصادی استان البرز به شمار می رود، بطوریکه سالانه بیش از یک میلیون تن محصول در این استان تولید و بخشی از آن صادراتی است. استقرار مراکز عمده پشتیبانی و تحقیقات کشاورزی ایران در البرز موجب شده تا کشاورزی این استان در عرصه تولید پیشگام باشد. در کنار کشاورزی، دامپروری

البرز با داشتن نزدیک به ۴۰۰ هزار راس دام صنعتی، نیمه صنعتی و عشایری و ۳۵۰ هزار هکتار عرصه مرتعی از ظرفیت های اقتصادی در تامین مواد پروتئینی کشور و استان به شمار می‌رود. همچنین فعالیت بیش از ۱۵۰ واحد مرغداری گوشتی و تخم‌گذار به ظرفیت حدود پنج میلیون و ۲۰۰ هزار قطعه مرغ، فعالیت ۶۷۸ بهره‌بردار زنبور عسل با اشتغال ۷۰۹ نفر و تعداد ۵۳ هزار و ۴۱۴ کلنی مدرن و ۷۰ کلنی بومی زنبور عسل و فعالیت حدود ۱۰۹ واحد پرورش ماهی سردآبی و گرم آبی به ظرفیت حدود ۲ هزار و ۴۰۰ تن ماهی پرورشی و ۲۴ واحد پرورش ماهیان زینتی به ظرفیت سالانه ۱۲ میلیون قطعه ماهی زینتی از دیگر داشته‌های اقتصادی البرز است. استقرار بیش از ۱۰ موسسه و پژوهشگاه علمی، تحقیقاتی و تولیدی مانند موسسه تحقیقات واکسن و سرم سازی رازی، موسسه تحقیقات علوم دامی، معاونت آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی، موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر، پژوهشگاه مواد و انرژی ایران، سازمان ملی استاندارد ایران و ... از دیگر مزیت‌هایی استان البرز به شمار می‌رود. فعالیت بیش از ۵۰ مرکز آموزش عالی با حدود ۲۵۰ هزار دانشجو و داشتن حدود ۲ هزار و ۲۰۰ کد مدرسه با جمعیت دانش آموزی ۴۶۰ هزار نفر، وجود حدود ۱۰ فرهنگسرا و مرکز فرهنگی در استان البرز از ثروت‌های علمی و اجتماعی به شمار می‌رود که این استان را به نام مهد علم و فناوری مزین کرده است. همچنین وجود ۵۵۰ اثر تاریخی و طبیعی مانند کاخ سلیمانیه، کاخ مروارید، تپه تاریخی ازبکی، باغ سیب مهرشهر، جاده گردشگری کرج - چالوس و... از داشته‌های فرهنگی اجتماعی و طبیعی این استان است. این استان به عنوان چهارمین کلانشهر ایران از موقعیت مکانی ویژه و استراتژیک برخوردار است. اما با وجود برخوردار از پتانسیل‌ها و امکانات لازم به توسعه در خور توجه که ارائه دهنده خدمات لازم به ساکنان خود باشد، نیست و دارای مسائل و مشکلات بی شماری در بخش های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی است. نتایج پژوهش مساله کشورداری در استان البرز را بحرانی بیان نمود. همان گونه که می‌دانیم؛ اگر زیرسیستم (استان البرز) یک سیستم در مساله‌ای دارای بحران باشد آن سیستم (کشور) هم دچار بحران می‌شود. بنابراین باید به مساله کشورداری در مقیاس فرو ملی توجه ویژه شود تا مسائل کشورداری در مقیاس ملی برطرف شود.

## نتیجه گیری

استان البرز در بیش از ۴ دهه اخیر، تحولات رو به پیشرفت و توسعه‌ای متنوعی را تجربه کرده است و این روند همچنان ادامه دارد، اما این روندها بدون آسیب هم نبوده است. تشکیل استان البرز ایجاد می‌کرد که برنامه‌ریزی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی (کشاورزی، صنعتی، خدماتی و فناوری و اقتصاد مجازی) با توجه به ظرفیت های این استان شکل بگیرد و استانی توسعه‌یافته را تقدیم ایران کند. نظام توسعه شهری کرج و شهرک‌های اقماری در اطراف شهر کرج و تراکم جمعیتی و نرخ بیکاری و برخی مشکلات اقتصادی سبب شده است استان البرز از مزیت‌های و فرصت های مطلوب خود دور شود و تک سبب بینی‌ها یا دو تا سه سبب بینی‌ها باعث شده است این استان نتواند ظرفیت‌های پایدار خود را در مسیر تولید ثروت قرار دهد. همسنگی استان البرز با استان‌های دیگر نشان می‌دهد که برغم همه مزیت های کشاورزی و جغرافیای طبیعی و کشاورزی و فناوری و دانشگاهی خود و از همه مهمتر ظرفیت های همراهی استان تهران هنوز نتوانسته است به طور کامل بهره‌برداري کند و هنوز بخش مهمی از خاک های حاصلخیز در مسیر توسعه کشاورزی در همه زیربخش‌ها قرار ندارد، یکپارچگی توسعه در سطح استان دیده نمی‌شود، شهرک‌های حاشیه‌ای باید ساماندهی شوند، ترافیک و حمل و نقل ملی و بین‌المللی در داخل شهر کرج زیاد است، ناوگان عمومی کرج، میان مرکز و شهرهای اقماری ساماندهی نشده است، کرج باید تابلو زیبا و پیشرفته‌ای از تنوع قومی ایران باشد. استان البرز برای ساماندهی همه این مسایل ظرفیت و مزیت دارد و کافی است به اصول علمی و منطقی و بومی توسعه و پیشرفت همراه با آمایش سرزمین و توسعه پایدار متعهد باشد. استان البرز در پهنه رشته کوه های رفیع البرز ملقب به ایران کوچک و پایتخت علم و فناوری که چند سالی از قد کشیدن ساختاری آن در قامت یک استان نمی‌گذرد، هر روز شاهد تحولاتی محسوس است. طبق بررسی‌ها، جمعیت البرز از حدود ۲۵۰ هزار نفر در دهه ۵۰ اکنون به حدود سه میلیون نفر رسیده و این امر نشان می‌دهد که این گستره کم جغرافیایی شاهد تراکم جمعیت

است و باید نیازهای زیرساختی در آن روزآمد شود. با اینکه بخشی از موسسات و مراکز علمی، تحقیقاتی و اقتصادی کشور در این استان مستقر هستند، اما زیر ساخت‌ها در بخش آب، برق، راه سازی، مراکز بهداشتی و درمانی، مخابرات، آموزشی و فرهنگی به تناسب جمعیت البرز رشد نکرد که می‌تواند از مساله کشورداری در این استان ناشی شود. نتایج این تحقیق مساله فراروی کشورداری را با بهره‌گیری از دیدگاه خبرگان در استان البرز بحرانی بیان نمود. بنابراین مسئولان می‌بایست فراتر از نیازهای جمعیتی به مطالبات مردم منطقه پاسخگو باشند. برای حل این معضلات استراتژی‌های زیر تدوین می‌شود

استراتژی‌ها بدین شرح است:

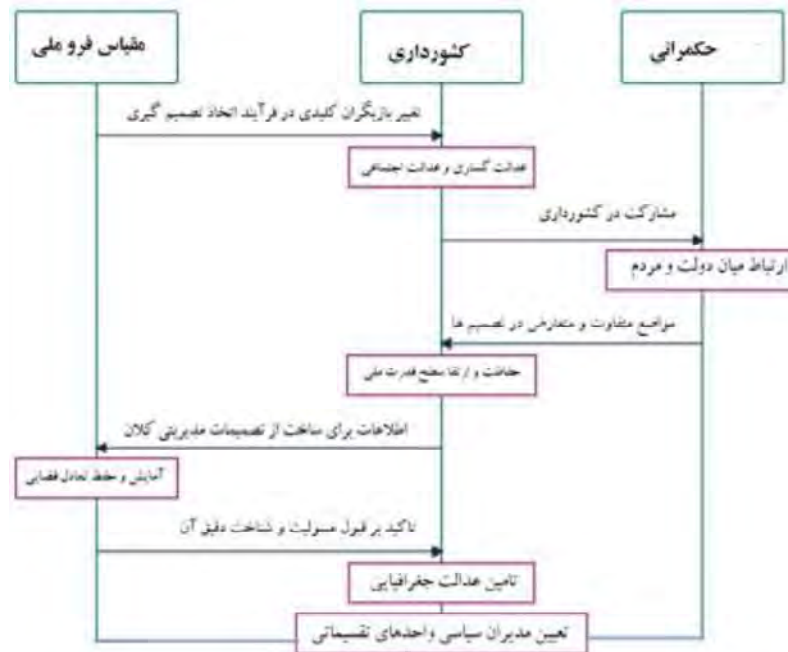
- همسایگی استان البرز با چهار استان مهم صنعتی و واقع شدن در مسیر ارتباطی ۱۱ استان دیگر، وجود مراکز بزرگ صنعتی کشور از جمله برند های تولیدی و صنعتی خوشنام و وجود فرودگاه و منطقه ویژه اقتصادی پیام با معافیت های گمرکی و مالیاتی و برخورداری از خط راه آهن سراسری ایران و ارتباط آن با کشورهای همسایه و همچنین وجود معادن مختلف و ۱۳ شهرک صنعتی و ناحیه صنعتی مصوب و غیر مصوب و به ویژه بزرگترین شهرک صنعتی ایران در شهرستان اشتهارد، نوید فرصت های بی بدیل اقتصادی و تولیدی را در استان البرز می‌دهد. دانشگاه های مختلف جامع علمی کاربردی، علوم پزشکی و محیط زیست و استقرار بیش از ۱۷ پژوهشگاه و مراکز تحقیقاتی ملی در مرکز استان به عنوان مدد رسان بخش تولید و صنعت در البرز محسوب می‌شوند. چنین ظرفیت بی‌بدیل تولیدی، صنعتی و همچنین بهره‌مندی از حدود ۷۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی و بهره‌گیری اصولی از این پتانسیل‌ها نیازمند کشورداری فراملی منسجم در این استان در راستای کشورداری ملی باشد.

اتخاذ راهبرد الگوی مدیریت اقماعی در تعامل حکومت و دولت با ملت و شهروندان در همه سطوح ملی تا محلی، بجای الگوی مدیریت آمرانه، مداخله جویانه و تکنوکراتیک رایج در سازمان های حکومتی و دولتی.

- ابتنای سیاست ها و برنامه‌های توسعه آمایشی و فضایی بر مشارکت نظری و عملی اکثریت شهروندان. علاوه بر این اتخاذ سیاست های کلی تعهدآور فراملی، و نیز هزینه بر و ریسک پذیر ملی، بر پایه رفراندم و همه پرسی از ملت (مطابق اصول ۶ و ۵۹ قانون اساسی ج.ا. ایران).

- دگرگونی اساسی برای ساماندهی مجدد عقلایی و هدفمندسازی ساختار سازمانی و دستگاه اداری حکومت و دولت بر پایه اصول: توجیه فلسفی، چابکی و چالاکي، انسجام درونی، منطقی‌سازی، شهروند محوری، دیجیتال‌سازی، نفی بوروکراسی، نیروی انسانی شایسته، دانش و مهارت افزایی پیوسته، تمرکز زدایی، نفی تعارضات درون ساختی، نفی موازی‌کاری، تناسب تخصص با پست‌های سازمانی و مدیریتی، تولید محوری، ابتکار عمل، تعالی قابلیت‌های مدیریتی، تناسب با نیازهای مدیریت سیاسی فضا در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای. بخش قابل توجهی از نهادهای جاری دستگاه حکومت و دولت در ایران زاید، موازی کار، هزینه‌بر و مخل ترقی استان هستند.

ایجاد الزامات قانونی، تدابیر و مشوق‌های اجرایی برای باز توزیع جغرافیایی منابع محلی توسعه، شامل: سرمایه، تجهیزات، فناوری و مدیریت کسب و کار و نیز معکوس کردن جریان تمرکز گرای پول و منابع و توزیع آن از مرکز به پیرامون در پهنه جغرافیایی کشور، با هدف دستیابی به توازن نسبی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و فضایی استان البرز.



شکل ۵. جایگاه کشورداری در مقیاس فروملی با تاکید بر استان البرز

## منابع

- احمدی پور، زهرا؛ میرشکاران، یحیی و هورکارد، برنارد، (۱۳۹۳). سازماندهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۰(۲)، ۱۷۶-۱۹۹.
- اسماعیل زاده، حسن؛ صالح پور، شسی و اسماعیل زاده، یعقوب، (۱۳۹۵). تحلیل سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان البرز، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۰(۲)، ۱-۳۴.
- برزگر، ابراهیم و حسن‌زاده، سعید، (۱۳۹۶). الگوی کشورداری در سیاست نامه‌ها مطالعه موردی تاریخ بیهقی، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۳۲)، ۹-۲۹.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۹. گزارش طرح تحقیقاتی مساله شناسی پیشرفت و امنیت استان تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۲۳۰ صفحه.
- اعظمی، هادی و دبیری، علی اکبر، (۱۳۹۰). تحلیل عناصر تهدید سیاسی-امنیتی در نظام تقسیمات کشور ایران. برنامه ریزی و آمایش فضا، ۱۵(۴)، ۶۳-۸۳.
- پور موسی، سید موسی؛ میرزاده کوهشاهی، مهدی و رهنما قره خانیکلو، جهانبخش، (۱۳۸۷). سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران، ژئوپلیتیک، ۴(۱۳)، ۷۵-۱۰۱.
- حافظ نیا، محمد رضا؛ احمدی پور، زهرا و قادری حاجت، مصطفی، (۱۳۹۱). «سیاست و فضا»، تهران: پژوهشکده امیرکبیر.
- دانائی فرد، حسن، (۱۳۹۹). آنچه کیفیت کشورداری را تهدید می‌کند: بدتصمیمی، بی تصمیمی، تصمیم گیری تاخیری، مطالعات مدیریت دولتی/ایران، ۳(۱)، ۱-۲۵.
- دانایی فرد، حسن، (۱۴۰۰). نقش پژوهش در ارتقا کیفیت کشورداری، پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، ۱۱(۳)، ۱۹۹-۱۹۵.
- راحمی، محمد؛ مهکویی، حجت؛ خادم‌الحسینی، احمد و شمس‌الدینی، علی، (۱۳۹۷). بررسی سازماندهی سیاسی فضا در نواحی سکونتگاهی کشور مورد مطالعه شهرستان کاشان. برنامه ریزی منطقه‌ای، ۸(۳۰)، ۸۰-۹۲.
- رنائی، م. (۱۳۸۱). ماهیت و ساختار دولت در ایران، در نقش دولت در اقتصاد: مجموعه مقالات، به کوشش سعید فراهانی فرد، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه.
- غلامرضایی یوسفعلی و حسن آبادی، داوود، (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل نظام تقسیمات کشوری در ایران با تاکید بر متغیرهای علمی و جغرافیایی: مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، ۷(۲۹)، ۲۷۷-۲۹۸.

- رهنما، محمد رحیم؛ شاکرمی، کیان و عباسی، حامد، (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل پیشران‌های موثر بر توسعه منطقه‌ای استان البرز با رویکرد برنامه‌ریزی سناریو مینا، *آمایش سرزمین*، ۱۰(۱)، ۱۳۹-۱۶۶.
- پيله ور علی اصغر، (۱۳۹۵). اثرات تقسیمات بر نابرابری های شهری ناحیه ای در خراسان شمالی. *جغرافیا و پایداری محیط*، ۶(۲)، ۱۶-۱.
- گیلانی، م؛ خطیبی، م؛ داوود پور، ز؛ خستو، م. (۱۴۰۱)، بررسی اقدامات مدیریت شهری در برنامه ریزی بازآفرینی زیرساخت سبز (مطالعه موردی: لاهیجان). *مهندسی جغرافیای سرزمین*؛ ۶(۱)، ۱۶-۱.
- ریاحی، وحید؛ افراخته، حسن و صالح پور، شمسی، (۱۳۹۹). عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام تقسیمات کشوری در سطح محلی (مطالعه موردی: شهرستان ارومیه)، *ژئوپلیتیک*، دوره ۱۶(۵۹)، ۱۴۷-۱۱۹.
- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸، سند آمایش سرزمینی استان البرز: سند راهبردی. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۵، مساله شناسی راهبردی توسعه استان البرز.
- موحدی، م.، ۱۳۸۳، «تعیین ویژگی‌های فرهنگ ملی-اسلامی»، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی.
- مولائی هاشجین، نصرالله؛ صالحی بابا میری، چیا. (۱۳۹۶). مدل پیشنهادی راهبرد مهندسی جغرافیایی فضا در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ایران، *مهندسی جغرافیای سرزمین*، ۱۱(۱)، ۱-۱۲.
- Ansell, K and plma, G.D (2002). On restructuring territoriality europand and north America. cambridge university pres.
- Checkland, P. B, (1999), System Thinking, System Practice, John Wiley and Sons, Chichester, England
- Flett, P. (2001), "The role of Quality in the Management of Projects", PhD thesis, University of Stirling.
- Gilani, S. M., Khatibi, S. M., Davoudpour, Z., & Khashtou, M. (2022). Investigating Urban Management Measures in Green Infrastructure Regeneration Planning (Case Study: Lahijan). *Geographical Engineering of Territory*, 6(1), 1-16.
- Kaplan, M. A. (1952). An introduction to the strategy of statecraft. *World Politics*, 4(4), 548-576.
- Kingsbury, Damien, Joe Remenyi, John Mckay and Janet Hunt. (2004), Key Issues in Development, NY, USA: Palgrave.
- Molaei, N; Sslehi bbamiri, ch, (2017). Proposed model for space geographic engineering strategy in Iran's regional planning, *geographical engineering of territory*, 1(1), 1-12